

مدیریت نظامی

شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۶

صص ۷۲-۴۱

مبانی تئوریک و مصداقی تهدید نرم و قدرت نرم

Reza Karami

رضا کرمی

چکیده

مفهوم تهدید به واسطه‌ی انتزاعی بودنش همواره با میزانی از ابهام همراه است. از طرفی رویکردهای متفاوت امنیت ملی نیز هرکدام برحسب مبانی و اصول خود برداشت و تعریف خاصی از تهدید و ماهیت آن دارند (که در برخی رویکردها، ماهیت تهدید کاملاً نرم افزاری، در برخی دیگر کاملاً سخت افزاری و در برخی نیز وضعیتی ترکیبی و بینابین دارد). از طرفی می‌توان گفت که در نظریه‌های مختلف امنیتی، ماهیت تهدید همواره با میزانی از توانایی و قدرت که بتواند منافع و ارزشهای حریف را در جهت تأمین منافع قدرت تهدید کننده تحت تأثیر بگذارد توأم و همراه می‌باشد. در این مقاله نگارنده تلاش می‌کند علاوه بر پاسخ به این سؤال که تهدید نرم چگونه شکل می‌گیرد، جنبه‌های تئوریک و نظری آن و مواردی از قبیل ابعاد، منابع، ویژگیها و روشهای اعمال تهدید نرم را مورد مطالعه قرار دهد و به منظور جلوگیری از مطلق شدن مقاله از پرداختن به مصداق تهدید نرم و قدرت نرم خودداری می‌گردد.

واژگان کلیدی

تهدید، تهدید نرم، قدرت نرم، امنیت، امنیت ملی، ایده‌ی دولت، رسانه

Theoretical Principles of Soft Threat and Power

Abstract

Given its abstract nature, concept of threat has always been contaminated with some degree of ambiguity. Each of the various approaches to national security, depending on their principles, interprets and defines the concept in a certain way (ranging from purely soft-ware to purely hard-ware in nature while some moderate version in between) on one hand, and it could also be said that in these approaches the nature of threat is commonly associated with certain degree of capability and power likely to affect interests and values of the opponent power at the expense of securing interests of the threatening power. In addition to trying to elaborate on the way soft threat develops, this study addresses its theoretical dimensions as well as any other pertinent issues like its aspects and application mechanisms. Given some considerations, however, examples of soft threat and power are not treated in this study.

Key Words: Threat, Soft threat, Soft power, Security, National Security, Government ideas, Media

مقدمه

هر دولت و جامعه ای برای استحکام پیدا کردن فیزیک خود نیازمند به یک ایده‌ی پیوند دهنده و یک ایدئولوژی سازمان دهنده است و هر دولت و جامعه‌ای که فاقد این ایده‌ی اتصال دهنده باشد در شرایط رقابت آمیز بین المللی از لحاظ ادامه موجودیت با مشکل

مواجه خواهد شد. ایدئولوژی های سیاسی - اقتصادی - مذهبی و اجتماعی می تواند در خدمت ایده‌ی دولت قرار گیرد و به طور تنگاتنگی با ساختارهای نهادینه دولت مرتبط گردد. در^۱ برخی از اوقات یک ایدئولوژی سازمان دهنده به گونه ای به شکل عمیق در دولت جا افتاده است که تغییر آن عواقب شدید و ویران کننده ای دارد. تهدید نرم تلاش می کند تا این بنیانهای اساسی و ارزش ها خاص هر نظام را هدف بگیرد.

تهدید با ویژگی‌ها، ابعاد و محدودی که دارد، در گذر زمان از حیث جنس در حوزه‌های مختلف دچار تحولات قابل توجهی شده است. قبلاً تهدید علیه منافع یک بازیگر به لحاظ جنس و ماهیت بیشتر از نوع و جنس تهدید سخت بود. به این معنا که وجه غالب، تهدید علیه منافع عینی و مشهود بازیگر مورد هجوم بوده است و برای تحقق و شکل گرفتن این نوع تهدید از ابزارهای سخت و قدرت نظامی و فشارهای اقتصادی استفاده می‌شده است. اینگونه تهدیدات بیشتر متوجه اهداف و منافع عینی بازیگر مورد تهدید از قبیل تعرض به تمامیت ارضی و تصرف سرزمین دشمن، انهدام مراکز صنعتی و تجاری، حمله به مراکز تجمع نیروی انسانی، اقدام به قتل و کشتار مردم، انهدام زیرساخت های مختلف دشمن شکل می گرفته است در گذر زمان در اثر عوامل و متغییر های گوناگونی جنس تهدید علیه بازیگر مورد هجوم به تدریج متحول شده است و ابزار تهدید از ابزارهای نظامی و خشونت آمیز به ابزارهای غیر نظامی و غیر خشونت آمیز تبدیل شده است. بگونه ای که تهدید های فرهنگی، مستور با چهره ای پنهان، با بهره گیری از روشهای پیچیده تا به جایی پیش می رود که در عصر کنونی بدون لشکر کشی، کشور گشایی را امکان پذیر نموده و این امکان برای صاحبان قدرت از طریق فرهنگ سازی و همسان سازی فرهنگی، شکل دهی و مدیریت افکار عمومی ایجاد شده است.^۱ با تحول در نظریه های امنیت ملی^۲، موسع شدن

^۱. حسام الدین آشنا، مدیریت فرهنگی و امنیت ملی، درس دوره دکترای امنیت ملی، دایا ۱۳۸۴

^۲. National Security Approach

ابعاد امنیت ملی، نقش پیدا کردن ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و... در امنیت زمینه برای تحول جنس تهدید بیش از پیش فراهم گردید^۱ و قدرتهای مهاجم تلاش کردند تا با حداقل استفاده از ابزارهای خشن بتوانند اعمال قدرت نموده و منافع خود را تأمین نمایند. این وضعیت (تحول در جنس تهدید) با افزایش نقش ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در عرصه امنیت ملی از یک طرف و پیشرفت و توسعه تکنولوژی ارتباطات از طرف دیگر روند رو به رشد و صعودی را پشت سر گذاشته است و به جایی رسیده است که امروز حتی قدرتهای بزرگ، با قابلیت های نظامی زیاد، بخاطر اجتناب از هزینه ها، پیامد ها و تبعات اعمال قدرت سخت جز در موارد استثنائی تمایلی به استفاده از قدرت سخت نداشته و به طور جدی مقوله اعمال قدرت نرم به منظور شکل دادن و اعمال تهدید نرم علیه منافع بازیگر مقابل را دنبال می نمایند.

تعریف تهدید نرم

تهدید نرم^۲ از جمله واژه هایی است که علی رغم کاربرد زیادی که در سالهای اخیر پیدا کرده است تاکنون تعریف مشخصی از آن ارائه نشده است. در تعاریف اندک ارائه شده نیز قدرت نرم^۳ بیش از تهدید نرم در مرکز توجه قرار گرفته است. لذا تصور می شود که دو روش برای ارائه تعریفی استنباطی از تهدید نرم وجود دارد. نخست این که قدرت نرم را مورد بررسی قرار داده و از تعریف ویژگیها و حدود قدرت نرم به تعریف تهدید نرم دست پیدا کنیم، در این حال اگر تهدید، تهدید قدرت باشد، یا قدرت مساوی و معادل با همه ارزشها باشد چندان با مشکل مواجه نخواهیم شد، اما در غیر این صورت (وقتی می خواهیم

۱. رابرت ماندل، چهره متغیر امنیت ملی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۷۷، ص ۷۱

۲. Soft Threat

۳. Soft Power

از تعریف قدرت نرم به تهدید نرم دست پیدا کنیم (چیزهایی که قدرت نیستند اما جزء ارزش های امنیت ملی تلقی می شوند از دایره ی بررسی انجام شده خارج می مانند و در نتیجه تعریفی که با این روش تحصیل می گردد از جامعیت لازم برخوردار نمی باشد. برای اینکه این ایراد و اشکال ایجاد شده رفع شود راهکار دیگری برای دستیابی به تعریف تهدید نرم وجود دارد که عبارت است از اینکه سیر تحول و تغییرات تدریجی تهدید را از نظر جنس و ماهیت مورد بررسی قرار داده و در اثر تحولات ناشی از متغیرهای گوناگون تأثیر گذار، به تهدید نرم دست بیاییم. در این نگارش راه دوم مناسب تر تشخیص داده شده است.

نکته ای که باید به آن توجه نمود این است که اساساً وصف نرم چه تغییراتی را در عناصر اصلی تهدید بجای می گذارد. تهدید دارای عناصر اصلی ای مانند عامل تهدید، ابزار تهدید و هدف مورد تهدید می باشد. اینکه تهدید نرم یا سخت نامیده شود بستگی به تحولاتی دارد که در گذر زمان در یکی از این عناصر به نسبت به تهدید سخت ایجاد شده است. به طور مثال اگر ابزار تهدید بر خلاف تهدید سخت که ابزارهای نظامی، خشن، زور و اجبار است به ابزاری غیر از ابزارهای خشنونت آمیز و اجبار آمیز همانند رسانه های مختلف نوشتاری، شنیداری و دیداری تغییر یابد. ماهیت تهدید مورد بحث تهدید نرم خوانده می شود. حالت دوم اینکه اگر عنصر هدف و قلمرو مورد تهدید دچار تحول شود یعنی به جای موضوعات سخت مانند (تصرف و تعرض به قلمرو سرزمینی، قتل و کشتار انسانها، انهدام مراکز اقتصادی و تجاری و...) موضوعاتی هدف قرار گیرند که جنس سخت افزاری ندارند از قبیل فرهنگ، افکار عمومی، ارزشها، هنجارها، ذهنیت ها، هویت اجتماعی، مشروعیت سیاسی، مشارکت سیاسی، و... در این حالت نیز تهدید، نرم قلمداد می شود. یعنی در واقع تغییر و تحول در ماهیت هدف است که ماهیت و جنس تهدید را تعیین می کند و آن را به دو دسته تهدید نرم یا سخت تقسیم می کند. خلاصه اینکه می توان گفت

لازمه‌ی اینکه تهدیدی در زمره‌ی تهدیدات نرم قرار گیرد این است که حداقل یکی از عناصر آن (ابزار یا هدف) از جنس نرم باشد و ارزشی از ارزشهای امنیت ملی را نیز تهدید کند. خالص‌ترین نوع تهدید نرم نیز زمانی است که هر دو عنصر مذکور از جنس نرم باشند. که خلاصه موارد فوق را می‌توان در نمودار زیر ارائه نمود.

ابزار تهدید	هدف تهدید (قلمرو تهدید)	عنصر تهدید
		نوع تهدید
خشن، زور و اجبار آمیز (قدرت نظامی)	سرزمین، تاسیسات، کشتار انسانها	تهدید سخت
غیر خشونت آمیز (رسانه ها و غیر)	هویت، مشروعیت، افکار عمومی	تهدید نرم
ابزار غیر خشونت آمیز	اهداف غیر نرم	تهدید نیمه سخت ^۱
ابزار خشونت آمیز	اهداف نرم	تهدید نیمه سخت

خلاصه کلام اینکه تهدید در هر بعد و شکل، یک هدف اساسی را دنبال می‌کند که عبارت است از «تحمیل اراده بر حریف»، خواسته بنیادی در تحمیل اراده برحریف، انجام رفتار مطلوب و مورد نظر کشور تهدید کننده است. اگر قرار است بر «رفتار» حریف تأثیر گذاری شود بهترین راه، تأثیر گذاری بر «افکار» اوست. بر این اساس می‌توان گفت که تهدید نرم، دو «پیکارگاه» دارد، یکی قلب و دیگری مغز، تصرف «قلب‌ها و مغزها» و تسخیر دل‌ها و ذهن‌ها هدف منازعات نرم^۲ است. در تهدید نرم عامل تهدید کننده به دنبال فراهم کردن الگوهای رفتاری اقتناعی است و تلاش می‌کند که مخاطب را بگونه‌ای تحت

^۱. Semi - Hard Threat

^۲. Soft Conflict

تأثیر قرار دهد که ترجیحات و اولویت‌های خود را مطابق خواسته‌های عامل تهدید، فهم و درک نماید. یک بخش، تأثیرگذاری بر افکار از طریق « باورسازی » و « الگوپردازی » است و بخش دیگر آن را « باورسوزی » و مسخ الگوهای رایج تشکیل می‌دهد. بطور مثال در منازعه-ی نرم جهان غرب به سرکردگی آمریکا با ایران که برخوردی فرهنگی، روانی، رسانه‌ای است، باورسوزی، باورسازی، الگوپردازی و تلاش برای مسخ و بی اعتبار کردن الگوهای رایج، بطور همزمان اجرا می‌شود. بنابر این می‌توان گفت که تهدید نرم عبارت است از هر گونه اقدام غیر خشونت آمیز که ارزشها و هنجارها را مورد هجوم قرار داده و در حد نهایی منجر به تغییر در الگوهای رفتاری و خلق الگوهای جدیدی شود که با الگوهای رفتاری نظام حاکم تعارض داشته باشد. لازم به ذکر است که زمینه های تهدید نرم افزاری مانند مشروعیت یا بحران مشروعیت می‌تواند منجر به شکل گیری یا تشدید تهدیدات نرم افزاری و یا حتی تهدید سخت افزاری مانند حمله‌ی نظامی شود.

ابعاد و حوزه های تهدید نرم

تهدید نرم نیز همانند تهدید سخت دارای ابعاد مختلفی از جمله بعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و... می‌باشد که تجلی و نمود تهدید نرم در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به نسبت سایر ابعاد بیشتر بوده و از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است. همان طوریکه بوزان می‌گوید می‌توان نتیجه گرفت که جوهره دولت بیشتر سیاسی، اجتماعی است و نه فیزیکی و رد گیری جوهره‌ی دولت تا سطح اجتماعی، سیاسی سرخ مهمی برای یافتن روش برخورد مناسب با ایده‌ی امنیت ملی را به ما می‌دهد. به عبارتی اگر قلب دولت در ایده‌ای باشد که در اذهان مردم جای دارد، پس خود این ایده موضوع اصلی امنیت ملی است.

ارزشها به عنوان زیر مجموعه‌ی مباحث فرهنگی، اشتراک یا عدم اشتراک ارزشهای مورد استفاده از طرف مردم با ارزشهای حاکمیت و از سویی دیگر دوگانگی ارزشی در درون جامعه هر یک به نوبه خود در روند امنیتی و کارکردهای ثابت و بی ثباتی دارای تأثیر زیادی می باشد که بسته به شرایط می تواند ایجاد تهدید یا امنیت نماید.

تهدید نرم در فضای اجتماعی

به دلیل اینکه پدیده‌ها ابتدائاً در فضای اجتماعی شکل می گیرد و به لحاظ اینکه در این فضا پدیده‌ها در حال تکوین هستند. اگر دیدگاه معرفت شناسی^۱ را توسعه دهیم به یک معنا همه تهدیدات حداقل در بدو تکوین نرم هستند و یا اگر بر اساس بعد زمانی به تهدیدات بنگریم از آنجائیکه همه آنها در عرصه ذهنیت تولید می شوند بر این اساس نرم تلقی می شوند. تهدید نرم در این حوزه مؤلفه‌هایی از قبیل هویت ملی، وفاق و انسجام اجتماعی و را به عنوان اهداف مرجع امنیت به چالش می کشد. معمولاً در فضای اجتماعی به دلیل سیالیت زیادی که پدیده‌ها دارند چندان با تهدید و فرصت عینی مواجه نیستیم و بعد از ورود پدیده‌ها به فضا‌های بعدی (سیاسی و امنیتی) است که تهدیدات و فرصتها عینیت پیدا می کنند.

معمولاً شناخت پدیده‌ها پس از ظهور عینی شان مورد توجه خاص قرار می گیرند لیکن شرط لازم و کافی برای شناخت، عینیت یافتن پدیده نیست. به عبارتی موضوعات قبل از مقطع ظهور عینی، وجود دارند و تأثیر گذارند. رویکرد معرفت شناسانه در فضای اجتماعی از چگونگی تکوین و شکل گیری پدیده‌ها (تهدیدات) بحث نموده و راه را برای طراحی و اجرای مدیریت پیشگیرانه فراهم می سازد. تهدید در این فضا دارای ویژگیهایی

^۱. Epistemology

به شرح، تغییر، تحول و سیال بودن، تکاملی و فرآیندی بودن، بازتابی بودن معنی، دارای هویت جمعی برخوردار بوده و گزاره هایی به شرح زیر است.

۱- در این مقطع تهدیدات دارای هویت نا محسوس و متحولند و چیزی به عنوان تهدید عینی وجود ندارد.

۲- شبکه روابط علی در حوزه‌ی تهدیدات (در فضای اجتماعی) غیر مستقیم و پیچیده است و متغیرهای واسط متعددی وجود دارد که جا برای مداخله را فراهم می کند. کشف روابط در این مرحله بسیار مشکل و سخت است.

۳- همه پدیده های اجتماعی که با نگاه تهدید آمیز یا فرصت آمیز شناسانده می شوند دارای برد زمانی متوسط یا بالا می باشند (یعنی آینده شناسانه است و سطح تحلیل و نگاه آنها متوجه آینده است) در این مرحله پدیده ها در حال تغییر و تحولند.

۴- مدیریت تهدیدات در این مقطع با هزینه کم تر و تأثیر بیشتر انجام می شود. مانند مطالبی که در کودکی به افراد آموخته می شوند، هم کم هزینه ترند و هم ماندگارتر.

تهدید نرم در حوزه‌ی سیاسی

تهدید اعم از سخت و نرم در حوزه‌ی سیاسی به دنبال ایجاد بی ثباتی در سازمان دولت است. ایدئولوژی به عنوان مجموعه ای از اندیشه‌ها و ایده‌ها راجع به نظام و کنش سیاسی، اجتماعی، چگونگی اجرای آنها در عرصه‌ی زندگی اجتماعی و سیاسی عمل می کند، بگونه ای که هویت و ماهیت واحد سیاسی را شکل می دهد و مشروعیت آن را تضمین می نماید. جنگ ایدئولوژی به معنای مبارزه میان دو طرز فکر و روش و شیوه‌ی زندگی سیاسی است. اگر تهدید بتواند ایدئولوژی سازمان دهنده را که توجیه کننده چرایی استقرار حاکمیت و مشروعیت بخش نظام سیاسی است را به چالش بکشد بخش زیادی از کارکرد خود را در ایجاد بی ثباتی ایفا نموده است.

تلاشهای تبلیغاتی و رسانه‌ای دشمن در راستای ایجاد پیوستگی و همبستگی بین ایدئولوژی سازمان دهنده (اسلام‌گرایی یا بنیادگرایی) با پدیده‌های مذموم و تنفرزا از جمله تروریسم، نفی آزادی، حقوق بشر و... علاوه بر توسل به خشونت علیه آنها، از طریق مهندسی اجتماعی، سیاسی و اصلاح دینی، استحاله آن را در پی دارد.

فرآیند و پروسه‌ی دولت‌سازی در کشورهای منطقه توسط دشمن در جهت تغییر الگوهای سیاسی، استقرار نظام‌های سیاسی مبتنی بر اندیشه‌های سیاسی نامتجانس با نظام سیاسی مستقر که الگوهای رفتاری را در حوزه‌ی سیاسی متحول و مبانی مشروعیت نظام‌های مستقر را با مشکل مواجه می‌نماید. بطور مثال فرآیند دموکراتیزه کردن منطقه و طرح لیبرال دموکراسی به عنوان تنها نظام سیاسی مشروع و شیوه حکمرانی مطلوب، سازمان، ساختار و نهادهای سیاسی حکومتی را به چالش می‌کشد و آنها را دستخوش بی‌ثباتی و تغییر می‌نماید (به لحاظ تعارضاتی که ساختارهای نظام‌های مستقر، با ساختارهای نظام عرضه شده دارد).

از طریق ثبات زدایی، نامشروع‌سازی و ناکارآمد ساختن نظام سیاسی با از بین بردن کارآمدی و مشروعیت نهادها و ایدئولوژی سیاسی، به تدریج مشروعیت و مقبولیت هم از بین می‌رود و رفته رفته شرایط و مقدمات برای جایگزینی نظام سیاسی فراهم می‌شود. (در واقع بخش زیادی از اقدامات آمریکا در منطقه فقط در صورتی در قالب تهدید درک و فهم می‌شوند که نگاه نرم به تهدید داشته باشیم و در غیراینصورت احساس تهدید از خیلی از این اقدامات نمی‌شود) تهدید نرم در حوزه‌ی سیاسی در مؤلفه‌های مهم دیگری هم چون مشارکت سیاسی و اقیانوس حاکمیت دو گانه که به نوبه خود می‌تواند منبع و مبنای مشروعیت را به چالش بکشد و الگوهای مشارکت را دچار دگرگونی و تحول نماید، دارای کارکرد و اثر گذاری قابل توجهی است.

تهدید نرم در حوزه‌ی فرهنگی

در بعد فرهنگی نیز مواردی از قبیل فرهنگ، هنجارها، ارزشها، هویت، توان سیاسی و... از جمله مؤلفه‌هایی هستند که فقدان و یا مخدوش شدن آنها، در حد زیادی می‌تواند زمینه ساز تهدیدات نرم داخلی و حتی شکل‌گیری تهدیدات سخت افزاری و حمله نظامی دشمنان بیگانه را نیز فراهم آورد. در کل هرگونه اقدامی که منجر به تغییر در الگوهای رفتاری منطبق با ارزشهای نظام حاکم باشد در زمره تهدیدات نرم آن حوزه قرار می‌گیرد. چالش‌های هویتی، که معطوف به امنیت اجتماعی یا هویتی نظام سیاسی می‌باشد که عبارت است از توانایی مردم و ملت در استمرار شیوه زندگی مرسوم و معمول خود با حفظ فرهنگ، زبان و مذهب، آداب و رسوم و... اگر شیوه زندگی و سایر مؤلفه‌های آن به خطر افتد از مصداق تهدید نرم امنیت ملی است. هویت ملی به عنوان اصل نظام بخش و سازمان دهنده امنیت فرهنگی، اجتماعی در هر نظام سیاسی از سوی دو دسته تهدیدات ناشی از رقابت‌های افقی و عمودی به چالش کشیده می‌شود. چالش‌های امنیتی مبتنی بر رقابت‌های افقی آن دسته از تهدیداتی است که یکپارچگی و وحدت جامعه را در معرض تجزیه و فروپاشی قرار نمی‌دهد، بلکه منابع و عناصر هویتی آن را دستخوش تغییر و دگرگونی ناخواسته می‌کند. به عبارت دیگر در اثر نفوذ فرهنگ و ارزشهای لیبرالی و آمریکایی، فرهنگ، مذهب، آداب و رسوم، سنت‌ها و ارزشهای ملی و به تبع آن شیوه زندگی مردم تغییر ماهوی می‌کند. دسته دوم چالش‌های امنیتی حاصل از رقابت‌های عمودی در جامعه که ناشی از هویت‌های فروملی و خرده فرهنگی بومی خواهد بود. برخلاف رقابت‌های افقی، در این نوع رقابت یکپارچگی هویتی و وحدت ملی کشور دستخوش تغییرات بنیادی و ماهوی می‌شود که ممکن است به نقض تمامیت ارضی و وحدت سرزمینی نیز بیانجامد.

تهدید نرم در حوزه فرهنگی از اهمیت خاصی برخوردار است مسائل گوناگونی هم چون زبان، مذهب، فرهنگ، و طیفی از این دست در فهرست مسائل فرهنگی جای می‌گیرد

امپریالیسم فرهنگی^۱ و هژمونی فرهنگی^۲ نشان دهنده نوعی نفوذ فرهنگی، اجتماعی است که از طریق آن، کشوری اساس تصویرها، ارزشها، معلومات، هنجارهای رفتاری وهم چنین روش زندگی خود را به کشورهای دیگر تحمیل می کند. رسانه های جمعی بهترین نمونه بنگاههای عامل اند که در فرآیند رسوخ، بکار گرفته می شوند، برای رسوخ کردن در سطح فراگیر، وسایل ارتباطی خود نیز بوسیله قدرت سلطه گر قبضه می شوند، این امر بطور گسترده از طریق تجاری شدن رسانه ها صورت می گیرد. استیلای فرهنگی وسیله ای برای ایجاد ساختارهای فرهنگی مشابه در جوامع دیگر می باشد و از آنجائی که رابطه ی قدرت و فرهنگ رابطه ای قابل توجه است از این رهگذر با ایجاد تهدیدات نرم فرهنگی امنیت ملی را به چالش می کشند و در واقع این همان است که می گویند نظام های سیاسی زمانی سقوط می کنند که ارزشها و هنجارهای مورد نظر آنان برای شهروندانشان فاقد ارزش شده و شهروندان به دنبال ارزشهایی غیر از آن چیزی که نظام حاکم توصیه می کند باشند. به عبارتی می توان گفت وقتی که بالائی ها (نظام حاکم) نتوانند سلطه ایدئولوژی (هژمونی) خود را بر جامعه استمرار دهند و خود را به عنوان تجسم بخش منافع جامعه ترویج و جامعه را به این امر متقاعد نمایند و پائینی ها (حکومت شوندگان) نخواهند، در این صورت سقوط نظام سیاسی عملاً تا حد قابل توجهی انجام شده است. ویژگی مهم تهدید در این حوزه نسبت به حوزه های دیگر، عامل فراگیری و تداوم آن است و این ویژگی تهدید فرهنگی را به تهدیدی اساسی مبدل می سازد. خلاصه اینکه می توان گفت که تهدید نرم در این حوزه در قالب های زیر تجلی پیدا می کند که عبارتند از:

- ملت سازی، فرآیند تغییر و تعدیل هویت ها، ارزشها، آرمان ها و عملکردهای ملل گوناگون جهان از طرق مختلف در فرآیندهای برون به درون وهم چنین رویکرد ایجاد

^۱ . Culturalism Imperialism

^۲ . Culturalism Hegemony

اشتراکات گوناگون هویتی در قالب یک حوزه جغرافیایی مشخص توسط نخبگان و نهادهای حکومتی در بسترهای درونی یک جامعه .

• نخبه سازی، از طریق تخطئه و تغییر مراجع معتبر موجود در جوامع از یک سو و ایجاد حمایت از مراجع جدید پنداری، گفتاری و کرداری از سوی دیگر به گونه‌ای که نخبگان همگرا، همداستان و هم فکر در قالبی مثبت تحلی کنند و دیگران با تصویری منفی و زشت به افکار، عمومی عرضه گردند. نخبگان حد فاصل میان ملت‌ها و دولت‌ها هستند و نقش اصلی را در هدایت و مدیریت اعمال و اهداف جامعه ایفا می‌کنند. از این منظر دسترسی به و تعامل با آنها کلید فتح دولت‌ها تلقی می‌شود.

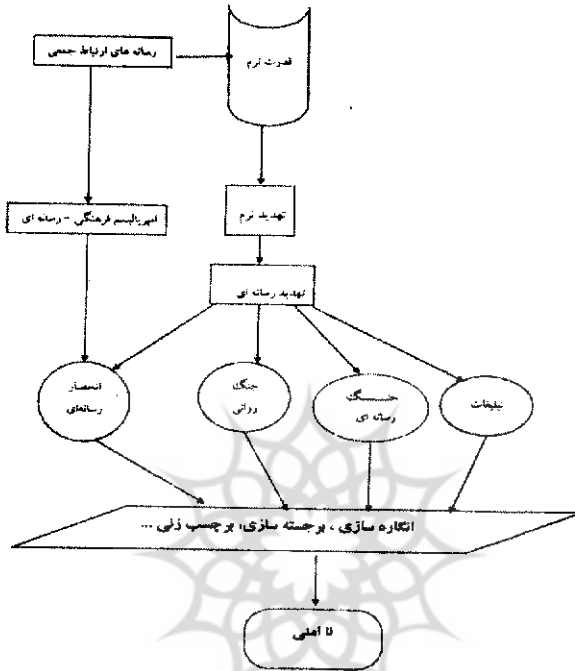
• فرهنگ سازی، فرهنگ به سان شریان خون در رگ‌های حیات جامعه است که وظیفه تغذیه و تأمین نیازهای ابتدایی سلول‌های بشری را در تمدن‌های مختلف برعهده دارد. کنترل و تغییر در ترکیبات این شریان حیاتی می‌تواند کارکرد پنداری، گفتاری و کرداری جوامع مختلف به ویژه حوزه‌های پرچالش را دچار دگرگونی بنیادین کند.

• مذهب سازی، بخشی عظیمی از مردم جهان در محدوده جغرافیایی خاورمیانه و شمال آفریقا بطور خاص و جهان اسلام به طور عام با باورها و ارزش‌های دینی و الهی گره خورده‌اند و این امر با فرهنگ جهانی سکولار- لیبرالیست در تعارض و تقابل است. تغییر و تعدیل در نظام باورها، گفتارها و رفتارهای جوامع مسلمان مستلزم تضعیف و به چالش کشیدن مذهب این قشر عظیم از طریق خلق مذاهب ساختگی و مسخ مبانی و بنیانهای مذهبی آنان می‌باشد.

• تغییر در الگوی مصرف رسانه‌ای، جامعه جوان دارای نیازهای خاص شرایط جامعه شناسی خاص، روان شناسی خاص و نهایتاً برنامه ریزی خاص مبتنی بر نیازهای خاص است. از این طریق امکان ارتباط حکومت با بدنه جامعه را تحت تأثیر قرار داده- و با ایجاد تغییر در ذائقه جامعه ارتباط حکومت با بدنه جامعه را کاهش می‌دهد.

- نماد سازی، به منظور توسعه حضور خود در موقعیت ها و شرایط خاص اقدام به ساختن نمادهای مختلف زمانی، مکانی، کلامی و مفهومی می نمایند و از این رهگذر امکان ارتباط خود با بدنه جامعه را فراهم می نمایند.
- مرجعیت زدایی، مراجعی که امروز به عنوان مراجع فکری، دینی، سیاسی و... در جامعه مطرح هستند باید موقعیت اینها زوده شود. اما مستقیماً به این مراجع حمله نمی کنند بلکه کارآمدی آنها را مورد تشکیک قرار می دهند و با استمرار و تعمیق این روش به هدف می رسند. و در مقابل اقدام به ساخت مراجعی می نمایند که در جهت اهداف آنها متمر ثمر باشند.
- الگوسازی، ساختن، تغییر دادن، جایگزین کردن و... می توانند در الگوهای رفتاری جامعه ایجاد تغییر داده و جامعه را با تنوع الگوها در عرصه های خاص مواجه نماید. بدیهی است که تنوع الگوها در جامعه به چندگانگی هنجاری و تضاد هنجاری و وضعیت های آنومی می رسد که زمینه را برای تسلط آنها بیش از پیش فراهم می نماید.
- خلق منابع و زیر ساخت های ارزشی متفاوت (مبانی ارزشی)، با این اقدام به دنبال این هستند که منابع ارزشی را متکثر کنند و در نهایت جامعه را به تضاد ارزشی برسانند (با چند گانه کردن ریشه های ارزشی و ایجاد مشکلات متعدد از طریق جاری شدن این تفکر).
- به چالش کشیدن زیرساخت های ارزشی، با تقدس زدایی کردن از زیر ساختهای ارزشی، آنها به امری زمینی مبدل می شوند و در واقع ارزش ها را به یک هنجار تبدیل می کنند امکان تغییرات بعدی را در آن فراهم می نمایند

- خلق گفتمانهای جدید، گفتمانهای متکثر جامعه را آماده برای تضاد رویکردی در حوزه سیاسی می نماید و بدنبال جعل گفتمانهایی غیر از گفتمان امام (ره) می باشند.



نمودار فرآیند شکل گیری تهدید رسانه ای

تهدید نرم در حوزه اقتصاد

تهدید نرم در محیط اقتصادی در چارچوب دو موضوع یا هدف مرجع یعنی، الگوی اقتصاد ملی و رفاه عمومی قابل بحث و بررسی است. الگوی اقتصاد ملی را می توان به معنای شاخص ها، ویژگی ها و پارادایم خاص حاکم بر اقتصاد ملی دانست که موجب می شود مجموعه این اقتصاد در عمل، بستر مناسبی برای رشد و تعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در جهت دستیابی به اهداف بلند آن فراهم آورد. رفاه عمومی یعنی رسیدن به

سطحی از برخورداری همگانی است که بتواند نیازها و نیز توقعات مشروع و روزآمد عامه‌ی مردم را برآورده ساخته و امنیت انسانی را محقق سازد. برآیند محدودیت‌های اقتصاد ساختاری و کارگزاری، اقتصادها را با چالش ناامنی در زمینه موضوعات صادرات کالا و خدمات، جذب سرمایه گذاری خارجی و اعتبار بین المللی، توسعه‌ی اقتصادی، صنعتی و تکنولوژیکی و نهایتاً تأمین نیازمندیهای جامعه و رفاه و وضعیت مطلوب اقتصادی برای ملت را بدنبال دارد. بدون تردید عدم توانایی دولت در تأمین نیازها و رفاه عمومی مردم، موجب نارضایتی ملت و به تبع آن کاهش مشروعیت و مقبولیت نظام می شود.

اقداماتی که به صورت فرآیندی و در بستر زمان، فرهنگ حاکم بر اقتصاد و الگوهای اقتصادی را تغییر دهد مانند تغییر الگوهای مصرف، تولید و توزیع به گونه‌ای مغایر با مبانی ارزشی نظام مستقر ترویج نماید و یا رسوخ نظریه‌های جدید اقتصادی مبتنی بر لیبرالیسم و تأکید بر مصرف گرایی که در تضاد با هنجارهای پذیرفته شده نظام سیاسی از قبیل قناعت، ساده زیستی و... است در زمره تهدیدات نرم حوزه‌ی اقتصاد تلقی می گردد.

تهدید نرم در حوزه‌ی نظامی

هر گونه اقدامی که منجر به تغییر در فرهنگ و الگوهای دفاعی گردد و عناصری مانند روحیه‌ی مقاومت، ایثار، شهادت طلبی، توکل و... را نادیده بگیرد در زمره‌ی تهدیدات نرم حوزه‌ی نظامی قلمداد می شود. تهدیدات نرم در حوزه نظامی می تواند منبعث از وابستگی به تولیدات علمی و آموزشی ناکارآمد دشمن باشد. بدیهی است که اینگونه مواد آموزشی مانع از شکل گیری تدارکات دفاعی متناسب با شرایط و ضرورت های بومی می شود. تهدید نرم دیگری که در حوزه‌ی نظامی خود نمایی می کند مربوط به مقوله‌ی تصمیم گیری و تصمیم سازی است که به حوزه‌ی اطلاعات برمی گردد. تفکیک حوزه اطلاعات و حفاظت اطلاعات دو فرهنگ جداگانه و متمایز از هم ایجاد نموده است که این وضعیت هم در صحنه‌ی

آموزش و هم در عرصه‌ی اجرا تصمیم‌سازی منطقی را در جهت امنیت‌سازی و تهدید‌سوزی با مشکل مواجه می‌کند. شیوه‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات منبعث از شیوه‌هایی است که منطق خود را از دست داده است و بعضاً مبتنی بر آموزه‌های دشمن در، چند دهه‌ی گذشته است در عصر کنونی که عصر اطلاعات و اصطلاحاً موج سوم قدرت می‌باشد و با حجم عظیمی از اطلاعات مواجه می‌باشیم برای تحلیل اطلاعات نیازمند به متدهای جدید و مناسب با وضعیت موجود می‌باشد. نکته‌ی دیگر که در حوزه‌ی نظامی در زمره‌ی تهدیدات نرم محسوب می‌شود نگرش و رویکرد به قدرت است. زیرا بسته به اینکه چه نگاهی به قدرت داشته باشیم متناسب با همان نگرش فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری تبلور پیدا می‌کند. تازمانی که نگاه به منطق و منابع قدرت با هنجارها و ارزشهای بومی و دینی انطباق داشته باشد مشکلی وجود ندارد اما اگر نگاه به منابع و منطق قدرت منطبق با معیارهای غربی صورت گیرد در این شرایط تهدید نرم در حوزه نظامی در حال شکل‌گیری و تبلور است. ملاک‌های ارزیابی امنیت نرم در حوزه دفاعی - امنیتی «میزان توافق عام ملی بر سر اهداف، منافع، تهدیدات»، «میزان قابلیت کشور در تصمیم‌گیری جامع و سریع در موضوعات استراتژیک» و «میزان قابلیت در اجرای انعطاف‌پذیر و سریع تصمیمات» بستگی دارد و در واقع هر آنچه که باعث چالش این معیارها در عرصه دفاعی - امنیتی گردد در زمره‌ی تهدیدات نرم این حوزه تلقی می‌گردد.

ویژگی‌های تهدید نرم

تهدید نرم نیز همانند خیلی از مفاهیم دیگر دارای ویژگی‌هایی است که مهمترین آنها همانطوری که قبلاً گفته شد ویژگی‌های خاص ابزار تهدید نرم و اهداف مورد هجوم تهدید نرم می‌باشند، علاوه بر این به ویژگی‌هایی به شرح زیر می‌توان اشاره نمود:^۱

^۱ ویژگیهای قید شده در متن در هیچ منبعی مشاهده نگردیده بلکه نگارنده آنها را از مطالعاتی که در مورد تهدید، قدرت و قدرت

۱. برای شکل گیری تهدید نرم بازیگر مهاجم لازم است که ابتدائاً مخاطب شناسی کند و متناسب با ترجیحات، نیازها، ذائقه و شرایط مخاطبان شناسایی شده اقدامات لازم را برای شکل گیری و تبلور اقدام نرم علیه بازیگر رقیب رفتار خود را اعمال کند. بدیهی است اگر این مخاطب شناسی صورت نگیرد یا تهدید نرم منعقد نمی‌شود و یا اینکه در صورت انعقاد و شکل گیری بخش قابل توجهی از قدرت شکل دهنده تهدید نرم به هدر خواهد رفت لذا بر این اساس مخاطب شناسی از اهمیت زیادی برخوردار است.

۲. شکل گیری تمدید نرم مستلزم برقراری نوعی رابطه تعاملی و دوجانبه بین طرفین درگیر می‌باشد و به نتیجه رسیدن تهدید نرم نیز تابعی از میزان پذیرش آن نزد مخاطبان (تهدید شونده‌گان) می‌باشد.

۳. درک تهدید نرم در مراحل اولیه، کار بسیار مشکلی است زیرا در مراحل تکوین در فضای ذهنی شکل می‌گیرند و متغیرهای متعددی در شکل گیری تهدید نرم دخیل می‌باشند که این وضعیت درک آن را مشکل ساخته است. و بعضاً متولیان امر از درک آن عاجزند. این ویژگی می‌تواند منشأ اختلاف نظر بین تصمیم سازان گردد که افزایش عمق تهدید را در پی خواهد داشت. به عنوان نمونه می‌توان به تهاجم فرهنگی اشاره نمود که دیدگاه مسؤولان در مقاطع مختلف نسبت به آن متفاوت و امکان مقابله با آن را دشوار نموده است.

۴. مسائل و مشکلات داخلی و آسیب پذیری‌های هر نظام پایگاه مهمی برای شکل گیری تهدیدات نرم حریف بر علیه نظام مورد هجوم می‌باشد. مسائلی مانند چالش در مشروعیت سیاسی و ایدئولوژی سازمان دهنده، فعال شدن شکافهای اجتماعی، بهره برداری از مسائل قومی و قوم گرایی، نابسامانی‌های فرهنگی و هویتی و... همه و همه می‌توانند از زمینه سازان جدی شکل گرفتن تهدید نرم و حتی سخت دشمن باشد.

۵. شکل گیری تهدید نرم مستلزم گذشت زمان و نیازمند زمینه‌ها و بسترهای لازم می‌باشد. معمولاً تهدید نرم در حوزه‌های مختلف به گونه‌ای نیست که بصورت دفعی و آنی شکل بگیرد بلکه بصورت فرآیندی است و شکل گرفتن آن مستلزم طی یک پروسه زمانی طولانی است.

۶. تهدید نرم در صورتی شکل می‌گیرد که کسانی که به آن تن در می‌دهند اساساً احساس و ادراک تهدید از آن نداشته باشند، بلکه آن را مطلوب خود و تسلیم شدن در برابر آن را اولویت خود می‌دانند. این اولویت می‌تواند به عمد یا ترغیب، آموزش و پرورش و فرهنگ سازی انجام شود. این گونه از تهدید نرم که در واقع نقطه مقابل مقابل قدرت شرطی است با تغییر اعتقادات افراد و ملت‌ها، اساسی‌ترین کارکرد ها را در حکومت، اقتصاد، سیاست و... کشورها ایفا می‌کند.

۷. از آنجائیکه تهدید نرم در مراحل تکوین به دلیل ماهیت ذهنی و انتزاعی آن چندان جلب توجه نمی‌کند و در واقع جمعی از کارگزاران نظام سیاسی اساساً وضعیت موجود را وضعیتی کاملاً عادی تلقی می‌کنند براساس تهدید نرم بصورت خفته و مستور در حوزه‌ی مورد نظر پیشروی کرده و در جایگاه‌های نرم نظام از قبیل هویت، فرهنگ، مشروعیت، مشارکت سیاسی، کار آمدی و... به اندازه‌ای پیشرفت کرده که در موقع تجلی و نمودار شدن تهدید به دلیل اینکه زیر ساخت های نرم افزاری مدیریت امنیت ملی را به چالش کشیده امکان مدیریت تهدید را در عرصه‌های نرم و سخت در حد قابل توجهی کاهش می‌دهد.

۸. برخلاف منابع قدرت سخت که بیشتر در اختیار دولت‌ها هستند منابع قدرت نرم که می‌تواند تولید کننده تهدید نرم باشد مبتنی بر دانایی و دارای پراکندگی زیادی می‌باشد به گونه‌ای که می‌توان گفت که بتدریج از انحصار نهادهای رسمی دولتی خارج و در اختیار بازیگران فراملی و فراملی غیر دولتی و گروه‌های ذی نفوذ و رسانه‌ای قرار گرفته‌اند.

۹. شکل گیری تهدید نرم به مراتب از تهدید سخت مشکل تر است زیرا اولاً همان طوریکه قبلاً گفته شد شکل گیری تهدید نرم مستلزم طی یک فرآیند طولانی است که در بستر شکل گیری نیازمند هماهنگی و همکاری عوامل متعددی است و چنانچه این هماهنگی‌ها به هر دلیل ایجاد نگردد انعقاد تهدید نرم محقق نخواهد شد و یا حداقل باموانع و مشکلاتی مواجه خواهد شد. ثانیاً تهدید نرم دارای منابع متعددی است که همه این منابع در اختیار دولت نبوده و این وضعیت نیز تحقق و شکل گیری تهدید نرم را به نسبت به تهدید سخت مشکل تر نموده است.

منابع تهدید نرم

تهدید نرم برای اینکه بتواند در هدف مؤثر گردد نیازمن به یک سری بسترها و زمینه‌هایی است که باید در هدف وجود داشته باشد تا تهدید آنها را فعال نماید و از آن طریق سطحی از منافع را مخدوش نماید. معمولاً منابع تهدید نرم را می توان قابلیت و توانمندی‌های قدرت نرم حریف تلقی کرد که توانایی فعال کردن بسترهای آسیب پذیر در حوزه‌ی هدف را دارا می‌باشد. در عصر کنونی که عصر اطلاعات نیز گفته می‌شود برخی از مفاهیم سنتی در گفتمان قدرت و سیاست از جمله مفهوم امنیت و تهدید دچار تغییر و تحول شده و مفهومی مدرن از تهدید و امنیت را ایجاد نموده است. در مفهوم جدید از تهدید و امنیت والگوی جستجوی امنیت مبتنی بر ارتباطات، به عنوان بدیلی تازه بجای الگوهای جستجوی امنیت مبتنی بر قدرت را نشان می‌دهد منابع تهدید نرم را می توان به شرح زیر احصاء نمود:

۱. رسانه‌ها

درالگوی مدرن امنیت رسانه‌ها با ایجاد تحول در باورها، ارزش‌ها، اعتقادات، تصاویر، ادراکات و ذهنیات جامعه زمینه را برای اقتناع و پذیرش فراهم می‌کند.

این وضعیت باعث شده تا پیامها، نمادها، اخبار و اطلاعات اهمیت خاص پیدا کند. رسانه‌ها نه تنها واقعیت را بلکه حتی مهمتر از آن ادراک مردم از واقعیت را نیز تغییر می‌دهد، بگونه‌ای که برخی از اندیشمندان معتقدند که رسانه‌ها حاکمیت و قدرت تعیین سرنوشت انسانها را از آنان سلب و در اختیار خود گرفته‌اند و بر اندیشه، ادراک و احساس افراد مسلط شده‌اند.

۲. ایدئولوژی‌های معارض با ایدئولوژی نظام سیاسی مستقر:

ایدئولوژی به عنوان یک طرح کلی که بیانگر خطوط اصلی و باید و نبایدهای، اهداف، تکالیف، نیازها، مسؤولیت‌ها و... یکی از مهمترین منابع قدرت است و نقش اساسی در اعمال قدرت، بسیج منابع، مشروعیت بخشی به نظام سیاسی، شکل دهی افکار عمومی و... دارد. چنانچه این حوزه توسط ایده‌های معارض دشمن به چالش کشیده و یا تضعیف گردد. از اساسی‌ترین مصادیق تهدید نرم تلقی می‌گردد. تهدیدات نرم در این عرصه در قالب تغییر رفتار، ساختار و نظام سیاسی شکل می‌گیرد. ایدئولوژی عامل اصلی افزایش روحیه، وحدت و انسجام و یکپارچگی و تعیین کننده تعامل و رفتار متقابل میان مردم و حکومت که منجر به اعتقاد و اعتماد مردم به سیستم و دستگاه حکومت می‌شود.

۳. جذابیت و مطلوبیت سیاست‌ها و روندهای جاری عامل قدرت. بدیهی است اگر سیاست‌ها و روندهای دشمن برای بازیگر مورد تهدید پذیرای آنها نباشد عملاً امکان شکل گیری تهدید نرم حریف وجود ندارد و تهدیدی منعقد نمی‌گردد.

۴. بهره‌مندی از تکنولوژی ارتباطی قوی و کارآمد. بازیگر مهاجم برای اینکه بتواند دیگران را از طریق امکانات رسانه‌ای اش تحت تأثیر قرار دهد لازم است که از امکانات و تکنولوژی ارتباطی روز برخوردار باشد.

۵. برخورداری از شبکه روابط وسیع و کارآمد با عناصر مؤثر در هدف بگونه‌ای که بتوان از آن طریق دسترسی به اهداف را تسهیل نمود. بدیهی است زمانیکه تهدیدات نرم توسط نخبگانی در لباس و کسوت خودی تبلیغ شوند ضمن اینکه از بیشترین اثر گذاری برخوردارند. کمترین مقاومت را نیز در مقابل خود احساس خواهند نمود.

۶. برخورداری از یک دیپلماسی قوی و کارآمد و تأثیر گذار در هدف این دیپلماسی پویا و کارآمد است که سیاست‌های و روندهای دشمن را برای بازیگران مورد تهدید مطلوب و جذاب جلوه می‌دهد که بدون هیچگونه مقاومتی سیاست‌های حریف را می‌پذیرد.

۷. هماهنگی لازم بین سیاست‌های اعلامی و سیاست‌های اعمالی بدیهی است در مواردی که این هماهنگی وجود نداشته باشد این نقطه ضعف مانع از شکل‌گیری تهدید نرم حریف می‌گردد لذا هماهنگی بین سیاست‌های مختلف حریف از منابع قدرت نرم حریف و منابع تهدید نرم بازیگر مورد هجوم تلقی می‌گردد.

روش‌های اعمال تهدید نرم
روش‌های اعمال تهدید نرم را می‌توان به دو دسته کلی روش‌های گفتاری و روش‌های رفتاری تقسیم کرد. در این چارچوب روش‌های گفتاری شامل دیپلماسی عمومی، عملیات ادراکی، عملیات روانی، فریب استراتژیک می‌گردد. روش‌های رفتاری نیز شامل اعتراض، عدم همکاری، مداخله غیرخشنوت‌آمیز، تشجیع و جذب و جنگ رایانه‌ای می‌گردد.

۱- روش دیپلماسی عمومی^۱: این روش به معنای کاربرد ابزارهای بین فرهنگی و ارتباطات بین‌الملل در سیاست خارجی است و به گونه‌ای فراگیر شامل دیپلماسی

^۱. Public Diplomacy

فرهنگی و ارتباطی می‌شود. در همین چارچوب تأثیرگذاری بر نگرش‌های عمومی برای شکل‌دهی و اجرای سیاست خارجی از اهداف دیپلماسی عمومی است. ایجاد افکر عمومی توسط دولت‌ها در کشورهای دیگر، تعامل گروه‌های خصوصی یک کشور با نظایر خود در کشورهای دیگر، گزارش مسائل خارجی و تأثیر آن بر سیاست، ارتباط میان عناصر حرفه‌ای ارتباط‌گر مانند دیپلمات‌ها و خبرنگاران خارجی و فرآیند ارتباطات بین فرهنگی از جمله ابعاد دیپلماسی عمومی است. دیپلماسی عمومی در حوزه تبادل فرهنگی و آموزشی شامل؛ تبادل دانشجو و استاد، تبادلات آکادمیک، برنامه تدریس پیرامون کشور مورد نظر در دانشگاه‌های خارجی، آموزش زبان انگلیسی و برنامه‌های هنری و نمایشی می‌گردد. از سوی دیگر دیپلماسی عمومی در حوزه فعالیت‌های اطلاع‌رسانی شامل ایجاد سایت‌های رسمی حاوی بیانیه‌های دولتی و مواضع رسمی، اعزام متخصصان خودی به کشور هدف به منظور پاسخ به سؤالات و ابهامات پیرامون کشور مورد نظر، برنامه‌های کنفرانس از راه دور و مواردی از این دست می‌گردد و در نهایت در حوزه برنامه‌های بین‌المللی شامل برنامه‌های دولتی و رسمی که از طریق رسانه‌های دیداری و شنیداری پخش می‌گردد می‌باشد. تحقیقات روش‌های دیپلماسی عمومی، عملیات ادراکی و تا حدودی عملیات روانی شباهت‌هایی با یکدیگر دارند. خصوصاً این شباهت‌ها میان دو مورد اول بیشتر نیز می‌باشد. اما دیپلماسی عمومی سه ویژگی منحصر به فرد دارد. اول آنکه طرح‌ها و برنامه‌های آن آشکار و علنی است. دوم آنکه در چارچوب سیاست خارجی یک کشور تعریف می‌گردد و سوم آنکه بانی و متولی اصلی و رسمی آن دولت می‌باشد هرچند ممکن است نهادهای خصوصی نیز در این رابطه به کار گرفته شوند. در چارچوب اعمال تهدید نرم و یا روش اقدام غیرخشونت‌آمیز، دیپلماسی عمومی بیشتر بر هدف تلطیف افکار و

نگرش نخبگان و آحاد مردم یک جامعه نسبت به دولت و کشور بکار گیرنده دیپلماسی عمومی متمرکز است.^۱

۲- روش عملیات ادراکی^۲: این روش به دنبال تأثیرگذاری بر نگرش‌ها، باورها، عقاید، اهداف و ارزش‌های طرف مقابل با هدف ایجاد تغییرات در مخاطب تا سرحد همسو شدن آنان با اهداف و منافع عمل‌کننده می‌باشد. روش ادراکی بیشتر مبتنی بر ترویج است، یعنی رواج دادن باورها، ارزش‌ها، عقاید متناسب با خواسته‌ها و اهداف خود و نیز مبتنی بر نوعی آموزش جهت‌دار می‌باشد.^۳ عملیات ادراکی با عملیات روانی متفاوت است. زیرا عملیات روانی به دنبال ایجاد تغییرات دفعتی و فوری آن هم در سطح افکار می‌باشد. هدف اصلی عملیات روانی تهییج و تحریک است و این با هدف اصلی عملیات ادراکی متفاوت است. آماج اصلی روش ادراکی نخبگان و در حد نازل‌تر آن قشر تحصیل‌کرده یک جامعه می‌باشد. بر این اساس این روش به دنبال تولید نظریه‌ها، طرح‌های مفهومی، مدل‌ها و الگوها و تصاویر ذهنی بادوام به منظور تطبیق هرچه بیشتر باورها، ارزش‌ها و عقاید مخاطب با اهداف و منافع سازنده می‌باشد. بنابراین این روش به دنبال آن است که دیگران را به باور کردن و عقیده‌مند شدن به چیزی متقاعد کند که خود به دنبال آن است حال حقیقت هرچه می‌خواهد باشد.

^۱. دیپلماسی عمومی اولین بار در دهه ۸۰ و به منظور مقابله دولت آمریکا با ساندانیست‌های نیکاراگوئه تحت عنوان «اداره دیپلماسی عمومی برای آمریکای لاتین و جزایر کارائیب» در وزارت خارجه آمریکا موضوعیت یافت. بنگرید به: حسن حسینی، «دیپلماسی عمومی: سازوکارها و ساختارها»، در کتاب آمریکا (۶) ویژه دیپلماسی عمومی آمریکا، تهران، انتشارات ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴، ص ۶۳.

^۲. Preceptual Operations

^۳. Dorothy E. Denning, "Information warfare and security", Boston, ۱۹۹۹, p. ۳۴.

۳- روش عملیاتی روانی^۱: عملیات روانی به طرح‌ها و اقداماتی گفته می‌شود که به دنبال تشویش، تهییج، تحریک و تغییر افکار عمومی حول یک مسأله مشخص و با اهداف از پیش تعیین شده می‌باشد. بر همین اساس عملیات روانی یک طرح و اقدام اطلاعاتی با اهداف پنهان می‌باشد. در چارچوب اعمال تهدیدات نرم، عملیات روانی تقریباً به طور کامل بر هدف مرجع افکار عمومی متمرکز است و می‌تواند به نتایج همچون راه‌اندازی یک رفتار جمعی مانند اعتراض و اغتشاش منجر شود. عملیات روانی همچنین برپایه یک تصمیم، یک یا مجموعه‌ای از حوادث، یک پدیده و یک یا مجموعه‌ای از اقدامات طراحی و به مرحله اجرا گذاشته می‌شود. شایعه‌پراکنی، سیاه‌نمایی، بزرگ‌نمایی و کاریکاتوریزه کردن از جمله مهم‌ترین شیوه‌های عملیات روانی می‌باشد. بر همین اساس عملیات روانی نیاز به مجموعه‌ای از زیرساخت‌ها خصوصاً رسانه‌های پخش و به خصوص رسانه‌های سیاه و خاکستری دارد. همچنین مستلزم شناخت کامل محیط هدف می‌باشد. از عملیات روانی بیشتر به عنوان سلاح پشتیبانی استفاده می‌شود. بنابراین به طور مستقل از کارایی زیادی برخوردار نیست و بیشتر تکمیل‌کننده طرح‌های کلان‌تر می‌باشد.

۴- روش فریب استراتژیک: فریب در چارچوب خلق و جعل قابل توضیح است. خلق به معنای تولید اطلاعات غلط و ارائه آن به جای حقیقت است و جعل نیز به معنای استفاده از اطلاعاتی است که به لحاظ فنی درست است اما خارج از مجرای خود یعنی اطلاعات به کار گرفته می‌شود و در عمل به گونه‌ای ارائه می‌گردد که در جمع‌بندی مخاطب به نتیجه‌گیری غلط برسد. همچنین فریب استراتژیک به معنای خلق و جعل اطلاعات توسط یک دولت به منظور تحت تأثیر و تحت

^۱. Psychological Operations

کنترل قرار دادن تصمیمات، طرح‌ها، راهبردها و در مجموع اقدامات مقامات و مدیران ارشد سیاسی دولت طرف مقابل می‌باشد.

فریب استراتژیک در سه شکل طراحی و اجرا می‌گردد. در نوع اول طرح فریب به دنبال ابهام‌افزایی، ایجاد سردرگمی، پریشان‌احوالی، هیاهو و تردیدافکنی توسط یک دولت به منظور جلوگیری از اتخاذ راهبردها یا تصمیمات استراتژیک توسط دولت طرف مقابل می‌باشد تا از این طریق یا از ایجاد یک مطلوبیت برای دولت طرف مقابل جلوگیری کند و یا مانع اقدامات نامطلوب علیه خود گردد.

در نوع دوم طرح فریب به دنبال سوق دادن دولت مقابل به سوی باور طرح فریب و قبول آن به عنوان مطلوبیت خودخواسته است. یعنی دولت طراح به گونه‌ای عملیات فریب را اجرا می‌کند که دولت طرف مقابل به چنان تصمیمات یا اقدامی دست زند که مطابق اهداف طرح فریب و در مجموعه اهداف و منافع دولت طراح بوده باشد، اما دولت طرف مقابل فکر کند دارد تصمیمی را اتخاذ می‌کند یا اقدامی را انجام می‌دهد که متضمن منافع خود و علیه منافع و اهداف طرف مقابل می‌باشد. این نوع طرح فریب در مجموعه پیچیده‌ترین طرح‌های فریب استراتژیک است و اجرای آن متضمن طرح‌های فریب فرعی و مرحله‌ای شدن طرح و یک پروسه زمانی نسبتاً طولانی مدت می‌باشد.

در نوع سوم، طرح فریب به دنبال القاء عاجل بودن یک تصمیم یا یک حادثه به منظور جلوگیری و یا تحریک طرف مقابل به تصمیم یا یک اقدام مشخص می‌باشد. به طور مثال القاء قریب‌الوقوع بودن حمله نظامی آمریکا به ایران در صورت نپذیرفتن تعلیق غنی‌سازی از سوی جمهوری اسلامی ایران.

شکست در تشخیص عملیات فریب استراتژیک متکی بر چند عامل اساسی است. اول نداشتن تحلیل و بی‌خبری، دوم پیش‌زمینه‌های ذهنی یا طرح‌واره‌های

ذهنی و تعصبات که منجر به اختلالات شناختی می‌گردد که در اثر آن افراد به دلیل تناقض میان اطلاعات حیاتی با مفاهیم و پیش‌فرض‌های ذهنی خود از درک اطلاعات حیاتی غافل و آنها را نادیده می‌گیرند و شکل آخر به تمایل مسؤلان و تصمیم‌گیران استراتژیک به خوش‌بینی و یا کلیشه‌ای فکر کردن و یا سکون در افکار و عدم تمایل به تغییر بازمی‌گردد.

در مجموع روش فریب استراتژیک به عنوان یک روش در اعمال تهدید نرم یا اقدامات غیرخشونت‌آمیز بیشتر بر هدف مرجع زیرساخت‌های اطلاعاتی طرف مقابل و به شکل دقیق‌تر تصمیمات و گزینه‌های استراتژیک متمرکز می‌باشد.

۵- روش اعتراض^۱: این روش عموماً به منظور نشان دادن مخالفت و شکل دادن به مقاومت به کار گرفته می‌شود. روش اعتراض بیشتر علیه نظام‌های سیاسی که بسته‌تر هستند به کار گرفته می‌شود. در این چارچوب شیوه‌های مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد که عبارتند از: ^۲ بیانیه‌های رسمی، تجمع‌ها، تحصن‌ها، نشست‌های اعتراض‌آمیز، نشست‌های سیاسی، اقدامات سمبلیک مانند به حرکت درآوردن برف‌پاک‌کن ماشین‌ها، افشاگری، اعتصاب غذا، تحریم کلاس‌های درس و

۶- روش عدم همکاری^۳: این روش به منظور کاهش مشروعیت و تضعیف کارآمدی دولت به علاوه کاهش انگیزه همکاران حکومت مورد استفاده قرار می‌گیرد. عدم همکاری در مجموعه آسان‌ترین و کم‌خطرترین روش‌های غیرخشونت‌آمیز در اعمال تهدید نرم می‌باشد و می‌تواند مجموعه افرادی که

^۱. Protest

^۲. برای: تهیه بخش قابل توجهی از شیوه‌ها از منبع زیر استفاده شده است:

Gene Sharp, The Politics of Nonviolent Action, Volume ۲, Porter Sargent Publishers, ۱۹۷۳.

^۳. Noncooperation

مخالف حکومت هستند اما بنابر دلایل گوناگون تمایل به رودررو شدن با حکومت را ندارند دربر گیرد. مهم‌ترین شیوه‌های مرسوم و مورد استفاده در چارچوب این روش عبارتند از: بایکوت انتخابات ، مدنی خصوصاً بی‌توجهی به قوانین و هنجارهای رسمی کشور، نپذیرفتن مناصب و پست‌های دولتی، عدم همکاری با نیروهای امنیتی و پلیس، بایکوت کشور مورد نظر در سازمان‌های بین‌المللی، تحریم اقتصادی و اعتصاب.

۷- روش مداخله غیر خشونت‌آمیز: این روش در مجموعه چالشی‌ترین روش‌های مقابله غیر خشونت‌آمیز با دولت هدف می‌باشد. در این روش دولت هدف به شکل مستقیم‌تری به چالش کشیده می‌شود. بنابراین حضور و مشارکت افراد نیز به نسبت روش‌های پیشین محدودتر خواهد بود اما تأثیرات به مراتب بیشتر است. در این چارچوب ایجاد دولت موازی یا دولت در تبعید و همچنین ایجاد نهادها و سازمان‌های جایگزین و ارائه خدمات مستقل از دولت به مردم و همچنین اخلال عمومی^۱ از مهم‌ترین شیوه‌ها می‌باشد.

۸- روش تشجیع و جذب مخالفان حکومت: مطابق با این روش کلیه فعالان مخالف حکومت که بنا بر دلایل مختلف توسط حکومت بازداشت، زندانی، تبعید و یا در حصر قرار دارند از یک سو و کلیه کسانی که استعداد فعالیت‌های ضد حکومتی را دارند از سوی دیگر، مورد توجه می‌باشند. شیوه‌های مورد نظر عبارتند از: شیوه‌های رسانه‌ای، شیوه استفاده از نهادهای حقوق بشری ، حمایت‌رسانی ، چهره کردن فعال سیاسی مخالف حکومت .

^۱ Sabotage

۹- روش‌های جنگ رایانه‌ای^۱: این روش به منظور سرقت اطلاعات، اختلال و تخریب اطلاعات و در نهایت ایجاد اختلال در سیستم مدیریت اطلاعات حریف لار فضای سایبر صورت می‌گیرد و سیگنال‌ها و فضای مربوط به ماهواره‌ها را شامل می‌شود.

نتیجه‌گیری

امروزه رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی در اکثر کشورهای دنیا نقش مهمی را ایفا می‌کنند و این نقش در زمینه‌های مختلف از جمله سیاسی و فرهنگی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و به نوعی با امنیت ملی کشورها مرتبط است.

مک لوهان دانشمند کانادایی تاریخ بشر را به سه دوره یعنی عصر فرهنگ شفاهی، عصر تمدن چاپی و عصر تمدن الکترونیک تقسیم می‌کند. در عصر الکترونیک، قدرت در دست صاحبان شبکه‌های تلویزیونی و شبکه‌های کامپیوتری و ماهواره‌هاست.

پیشرفت شگرف تکنولوژی ارتباطات در سال‌های اخیر نشان دهنده این واقعیت می‌باشد که در حال حاضر بشر عصر الکترونیک را سپری می‌کند. وسایل الکترونیک با انجام کار ویژه‌های خاص خودش اثرات عمیقی بر حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها نهاده‌اند که مهمترین بعد آن فراهم کردن امکان تماس و مبادله سریع فرهنگ‌ها با یکدیگر است. در این فرآیند، انواع پیام‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر بال امواج نشانه و با درهم نوردیدن مرزها، در درون خانه‌های شهروندان به مخاطبان می‌رسد و بخش قابل توجهی از نگرش‌ها و الگوهای رفتاری در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تحت تأثیر این تبادلات و تعاملات شکل گرفته و مبنای عمل و اقدام قرار می‌گیرند.

^۱. Cyber Warfare

این وسایل ارتباطی مدرن با میلیاردها رشته نامرئی آدیان را به یکدیگر پیوند داده و جهان پهناور را با مساحت ۵۱۰ میلیون کیلومتر مربع و با پنج قاره به صورت دهکده ای کوچک درآورده اند. در این فراگرد، نفوذ ناپذیری مرزها و دیواره ها در برابر تشعشعات امواج ماهواره ها رنگ باخته اند و فاصله ها از میان رفته اند و سراسر گیتی به تسخیر این وسایل درآمده است.

همان طور که توضیح داده شد «غیرخشونت آمیز بودن» به عنوان روش اقدام، اصلی ترین معیار تهدیدات نرم است. اعمال تهدیدات نرم و یا اقدام به روش های غیرخشونت آمیز به منظور رسیدن به اهداف از چند جهت قابل بررسی است. مهم ترین آنها روش های اعمال تهدید نرم یا روش های اقدام غیرخشونت آمیز است. روش ها در واقع مختصات و ویژگی های اقدام را مشخص کرده و قابلیت ها و کارایی خود را نشان می دهند. پس از روش ها، اهداف اعمال تهدید نرم مورد توجه است. بدیهی است تهدیدات نرم به علت طبیعت و ویژگی های خود هر هدفی را نمی توانند پوشش دهند. بنابراین از این جهت مشخص خواهد شد که تهدید نرم در چارچوب چه اهدافی قابل استفاده می باشد. محور سوم فرآیند یا مراحل اعمال تهدید نرم و یا اقدام غیرخشونت آمیز می باشد. در این محور نیز گام های اساسی پیاده سازی تهدید نرم را ترسیم نمودیم امید است که مورد استفاده خوانندگان محترم قرار گیرد.

منابع و مأخذ

۱. ادوار اذر و چونگ این مون، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۷۹.
۲. اصغر افتخاری، سمینار تهدید نرم، داعا، دانشکده امنیت ملی، تابستان ۱۳۸۵.
۳. اصغر افتخاری، شناسایی ابعاد و مظاهر تهدید، درس دوره ی دکتری، داعا (دانشکده امنیت ملی)، ۱۳۸۴.

۴. اصغر افتخاری، کالبد شکافی تهدید، در مرحله نشر.
۵. الوین تافلر، جابجایی قدرت، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، سیمرخ، ۱۳۷۶.
۶. باری بوزان، مردم، دولت ها و هراس، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۷۸.
۷. جان کنت کالبرایت، آناتومی قدرت، ترجمه مجبویه مهاجر، تهران، نشر سروش، ۱۳۷۱.
۸. حسام الدین آشنا، مدیریت فرهنگی و امنیت ملی، درس دوره دکترای امنیت ملی، دعا ۱۳۸۴.
۹. حسن حسینی، طرح شاوورمیانہ بزرگتر (القاعده و قاعده در راهبرد امنیت ملی امریکا)، تهران، موسسه ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳.
۱۰. حسین فروغی نیا، [جهانی شدن، بحران مشروعیت و تأثیر آن بر امنیت ملی در کشورهای در حال توسعه]، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۲۶.
۱۱. دنی کوش، مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، ترجمه فریدون وحیدا، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۱.
۱۲. رابرت ماندل، چهره متغیر امنیت ملی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۷۸.
۱۳. رابرت ماندل، چهره متغیر امنیت ملی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۱۴. علی ربیعی، مطالعات امنیت ملی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۸۳.
۱۵. گفتگو با عماد افروغ جهانی شدن چالش ها و تعارض ها فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۳۸۰.

۱۶. هربرت شیلر، وسایل ارتباط جمعی و امپراطوری امریکا، ترجمه احمد میر عابدینی، تهران، سروش.
۱۷. جوزوف نای، «قدرت نرم»، راهبردی دفاعی، محمود عسگری، تهران، ۱۳۸۳.
۱۸. حسام‌الدین آشنا، دیپلماسی عمومی: فرهنگ و ارتباطات در خدمت سیاست خارجی، در کتاب آمریکا ۶ ویژه دیپلماسی عمومی آمریکا، تهران، انتشارات ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴.
۱۹. حسن حسینی، «دیپلماسی عمومی: سازوکارها و ساختارها»، در کتاب آمریکا (۶) ویژه دیپلماسی عمومی آمریکا، تهران، انتشارات ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴.
۲۰. سید جلال الدین دهقانی طرح خاورمیانه بزرگ و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره سوم، پائیز ۱۳۸۳.
۲۱. “198 Methodes of Nouviolent Action” by Gene Sharp:
<http://www.qeinstein.org/organisations/org/198.methods.pdf>.
۲۲. Gene Sharp, The Politics of Nonviolent Action, Volume ۲,
 Porter Sargent Publishers, ۱۹۷۳.